

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literaral-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختری
همبورگ - جرمنی

قهر هجران

گهی سرد و گهی گرم و گهی باد و گهی باران
هوای شهر ما از بس غبار آلود و نمناک است
سزای جرم و عصیان است هنوز هم جای شکران است
گناه اول این قهر هجران از تو داوود است
ندانستی که روس و خلق و پرچم فتنه انگیز اند
بریژنف، تره کی و امین و بیرک کارمل
نجیب قاتل و بدنام و رسوای سر بازار
گنهاران تاریخ وطن بودند و میباشند
گل و سُنبل نثار مقدم مجاهدان کردیم
مجاهد آمد و گفتا مسلمانی همی آرم
بنام طالب دین و لوله برپاشد و دیدم
وطن از ما و لگامش بدست دیگران باشد
نه آفتاب است نه مهتاب است، الهی گم شود المان
تو گوئی کشتی افتاده اندر بحر و در طوفان
غلط کردم که کردم شکوه از کشاکش دوران
که از دست تو شد این ملت افغان ستان قربان
خطا کردی جفا کردی تو ای خوش باور افغان
یکایک فتنه بودند و محیل و کاذب و شیطان
اجنت روس و کی جی بی غلام آخر ایشان
گروهی ملحد و بیدین و خاین بر وطنداران
بصد شوق و بصد ذوق و بصد عشق و بصد ارمان
مسلمان کشت و میهن را به خاک و خون نمود یکسان
که اعمالش نمیباشد موافق با مسلمانان
چه شد محمود چه شد احمد چه شد غیرت چه شد ایمان

دُعای نیم شب {ناظم} اجابت میشود آخر

نمی ماند دگر مشکل، نمی ماند دگر ارمان